بررسی کتاب تحفهٔ حکیم مؤمن، از دیدگاه ادبی و طبی

نصرالله امامی [الف]، داوود سلیمانی مقدم [ب*]

[الف] دکترای ادبیات فارسی، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه شهید چمران، اهواز
[ب] کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، زرین آباد، ایلام

چکیده

سابقه و هدف: تاکنون تحقیقات زیادی در موضوعات مرتبط با طب سنتی انجام شده است؛ اما اغلب به‌صورت کلی بوده و کمتر به جزییات توجه شده است و به نحوهٔ بیان، زبان گفتار، چگونگی توصیف جزئیات و دیدگاه‌های متفاوت پدیدآورندگان آثار توجه نشده است. این مقاله با هدف کمک به افزایش اطلاعات و دانسته‌های دارویی کهن و معرفی هرچه بهتر آثار طبی به جامعهٔ علمی کشور به منظور به کارگیری آن در میان محققان و داروسازان گیاهی ارائه شده و در آن سعی شده است تا حد زیادی ضمن بیان دیدگاه حکیم مؤمن، نحوهٔ بیان و استفادهٔ او از ابزار زبان برای بیان و توصیف جزئیات گل‌ها و گیاهان طبی و خاصیت درمانی هر جزء، نشان داده شود.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش توصیفی و مطالعهٔ موردی به بررسی ویژگی‌های ادبی و علمی کتاب تحفهٔ حکیم مؤمن، از کتاب‌های طبی و دارویی عصر صفویه، تألیف محمد مؤمن بن میرزا محمد زمان حسینی تنکابنی دیلمی پرداخته و امتیازها و ایرادهای کتاب مذکور را بررسی کرده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد، علی‌رغم اینکه تحفه حکیم مؤمن از نظر ویژگی‌های زبانی و نثر ادبی حایز اهمیت نیست، اما توانسته است دیدگاه طبیبان قبلی را به چالش کشیده و مورد پذیرش عموم قرار گیرد، او علاوه بر کار طبابت در کار داروسازی، به‌خصوص ساختن ادویه مرکبه نیز توانا بوده است، و قبل از کتاب او به ادویه مرکبه، چندان توجه نمی‌شده و می‌توان گفت که یکی از امتیازهای کتاب، پرداختن به ادویه مرکبه است.

بحث و نتیجه‌گیری: این کتاب از جنبه طبی و گیاهان داروئی، به‌خصوص توصیف ادویه‌های مرکبه بسیار با ارزش است و مطالعه آن برای انجام تحقیقات تجربی توصیه می‌شود.

تاریخ دریافت: اسفند ۹۳
تاریخ پذیرش: آبان ۹۴

کلید واژه‌ها: طب سنتی، داروشناسی سنتی، صفویه، امتیازها، ایرادها، تحفه حکیم مؤمن.

مقدمه:

بیشتر آثاری که در زمینه‌های مختلف علمی، از جمله پزشکی در دوره صفویه نگاشته شده، در واقع تکرار سخنان گذشتگان یا شرح و حاشیه و تلخیص آنها بوده است. یکی از این کتب تحفه حکیم مؤمن، تألیف محمد مؤمن بن میرزا محمد زمان حسینی تنکابنی دیلمی، طبیب مخصوص شاه سلیمان صفوی است که آن را در سال‌های ۱۰۷۸ تا ۱۱۰۵ قمری نوشته است.

او سیّدی عالی‌قدر و از اطبای شیعه‌مذهب بوده است و علم طب را نزد پدر و سایر خاندانش که گویا همه پزشک بوده‌اند تحصیل کرده و به‌عنوان پزشک مخصوص، به دربار شاه سلیمان صفوی راه یافته است.

* فرد مسئول مکاتبات: dsm528@yahoo.com

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-25]

کتاب تحفه حکیم مؤمن بیشتر در بردارنده مباحث طبی و دارویی کتاب‌های داروشناسی گذشته است. در این مقاله به بررسی کتاب مذکور پرداخته می‌شود.

در دوره صفویه داروشناسی بسیار مورد توجه قرار گرفت و علاوه بر تحفه حکیم مؤمن چندین کتاب در این زمینه نوشته شد، از جمله: بحر الوار، تألیف محمد بن یوسف هروی، اسرارالاطبا، تألیف نظام‌الدین احمد گیلانی، جامع‌الجوامع در داروهای مفرد و مرکب از کمال‌الدین افضل بن یحیی گیلانی، مفرح یاقوتی، المرکبات الشاهیه، رساله افیونیه و ینبوع از عماد طبیب، قرابادین شفایی از حکیم شفایی، معجون مسیحی و مفرح مسیحی از محمد مسیح بن محمد صادق، از پزشکان عهد شاه سلیمان، مصباح‌الخزائن و مفتاح‌الدفائن به نام شاه سلیمان، تألیف محمد هاشم بن محمد طاهر تهرانی، رساله چوب چینی از مسیح‌الملک محمد یوسف، تألیف شریف و علاج‌الامراض از محمد شریف‌خان دهلوی. علاقه برخی از شاهان صفوی به امور طبابت و پزشکی و عیش و عشرت و آمیزش با زنان حرمسرا و خوردن معاجین و ترکیبات دارویی، آنان را وامی‌داشت تا طبیبان حاذقی را به دربار خود راه دهند؛ حکیم مؤمن نیز یکی از این طبیبان مجرب بود که به دربار شاه سلیمان آمد و امور طبابت این پادشاه را بر عهده گرفت. به‌عنوان مثال از مشروب‌ها یا مخدرهایی که در دوران شاهان صفوی رواج داشت، می‌توان شربت کوکنار، مفرح افیونی، بنگ و حشیش را نام برد. حکیم مؤمن در تهیه ترکیبات دارویی تجربه‌ای کافی داشته است و در کتابش خواص و طرز ساختن و مقدار شربت آنها را به‌طور مفصل توضیح داده است.

طریقهٔ ساخت انواع مفرحات، از جمله مفرح افیونی، معاجین و شربت‌ها و حبوبات از جمله: حب فلونیا در کتب تحفه، مؤیّد این اوضاع است. به نوشتهٔ توماس هربرت در سفر نامه‌اش: «بهترین تحف حکام بزرگ به درگاه شاهان صفوی از جمله شاه عباس، شراب‌های ناب بوده است» (۱) و این است که حکیم مؤمن هم، برای خوشایند کردن نام خود در نظر شاه سلیمان، نام کتابش را تحفه نهاده است.

محمد مؤمن تنکابنی، حکیم و پزشک شاه سلیمان صفوی، یکی از دانشمندان برجسته تاریخ فارماکولوژی گیاهی ایران است که در کتاب خود به نام تحفه‌المؤمنین، مواد پزشکی را که بیشتر شامل گیاهان دارویی است، از منابع یونانی و اسلامی اخذ کرده و بر آن مواد هندی را افزوده و همه آنها را با تجربیات و کشفیات خود، تلفیق کرد و بر آنها شرح نوشت؛ این کتاب نزدیک به ۵۷۵۰ عنوان دارد و شامل ۱۵۲۰ باب اصلی است که ۹۴۰ باب آن به گیاهان دارویی و مشتقات آنها اختصاص دارد.

از ویژگی‌های دیگر کتاب وجود نزدیک به ۴۲۳۰ نام مترادف و مشابه گیاهی از زبان‌های مختلف یونانی، عربی، عبری، سریانی و بعضی لهجه‌ها و گویش‌های مختلف خراسانی، اصفهانی، مازندرانی، گیلکی، ترکی و هندی است (۲).

تاریخچه مختصر دانش پزشکی

تاریخ دانش پزشکی در ایران به دوران باستان برمی‌گردد، به‌طوری که پیش از تأسیس دانشگاه جندی شاپور و حضور دانشمندان نسطوری و آشنا به دانش پزشکی و زبان یونانی، در دوره هخامنشی نیز تشکیلات پزشکی منظمی وجود داشت، به‌طوری که در این دوران، ارتباط فرهنگی بین ایران و یونان و همچنین با اقوام و ملل مجاور شروع شده بود و عده‌ای از پزشکان یونانی در دربار پادشاهان هخامنشی به طبابت مشغول بودند (۳).

در دوره اشکانیان هم طب ایرانی یک طب غیر دینی و آمیخته‌ای از طب یونانی و زردشتی و متأثر از طب رایج در سایر ملل از جمله مصریان، آشوریان و کلدانیان و بابلی‌ها بوده است. وجود ریشه‌های متفاوت اسامی گیاهان دارویی گاه ایرانی و حتی محلی و قومی، گاه یونانی، عربی، هندی و یا چینی که در کتاب‌های طب سنتی به کار رفته، تا حدودی ناشی از جنگ‌های بین تمدن‌های گذشته بوده است. مثل ایران و روم، ایران و یونان، ایران و مصر و هندوستان و چین، موجب تبادل اطلاعات و آگاهی از خواص گیاهان دارویی شده است. هرچند که بر اثر همین جنگ‌ها از جمله لشکرکشی اسکندر به ایران، بسیاری از کتابخانه‌ها آتش گرفت و بسیاری از سوابق گیاه‌شناسی شرق از بین رفت (۲)، اما بنا به نوشته دکتر محمود نجم‌آبادی: «پس از حمله اسکندر به ایران نفوذ تمدن یونانی در

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-25]

این سرزمین زیادتر شد و جانشینان این مرد غالب توانستند علوم یونانی را در کشورهای مغلوب رواج دهند» (۳).

بعد از شکست ساسانیان طب اسلامی در مراکزی مثل بغداد و جندی‌شاپور رواج پیدا کرد، به‌طوری که درخشان‌ترین دوره‌های طب اسلامی که بر طب اروپا هم تأثیر گذاشت در قرن‌های سوم تا ششم هجری قمری شکل گرفت و ایرانی‌ها توانستند توسط پنج تن از ستارگان درخشان طب خود به نام‌های طبری، رازی، اهوازی، بوعلی سینا و جرجانی خدمات زیادی به طب جهان عرضه کنند، به‌طوری که اروپایی‌ها تفکرات پزشکی دانشمندان ایرانی از جمله بوعلی سینا را مقدم بر تفکرات پزشکی یونان باستان داشته و از آن استقبال کردند.

علم طب مانند علم نجوم از نخستین فنون و علومی است که در بین مسلمانان رواج یافت و آثار بنیادینی توسط پزشکان مسلمان همچون کتاب الحاوی از محمد بن زکریای رازی، القانون فی الطب از شیخ الرئیس ابوعلی سینا و آثار دیگر طبیبان مشهور که مورد استفاده و استناد پزشکان بعدی بود بر جای مانده است (٤).

اوضاع پزشکی در عصر صفویه

هرچند که بعد از حمله مغول، فرهنگ و تمدن ایران تحت تأثیر قرار گرفت، اما طولانی بودن دوران صفویه تا حدودی به حفظ بقایای میراث علمی و فرهنگی ما کمک کرد و با وجود اینکه در این دوره پزشکانی مانند بوعلی سینا، رازی و اسماعیل جرجانی ظهور نکردند، اما باتوجه به اعتراف سفرنامه‌نویسان و سیاحان اروپایی، صنعت داروسازی و خدمات درمانی در این عصر پیشرفت‌های زیادی داشته است.

در آثار طبی دوره صفویه به دلیل مهاجرت بسیاری از دانشمندان ایرانی به سرزمین‌های هندی، اقتباس فراوانی از منابع هندی شده است و به همین دلیل در اکثر آثار طبی این دوره ریشه هندی گیاهان دارویی آورده شده است. تشکیلات پزشکی نیز انسجام خاص داشته و پزشکان را اغلب با لقب حکیم و حکیم‌باشی خطاب می‌کردند.

حکیم‌باشی در امور مربوط به طب دولتی و توسعه طبیبان کشور مسئولیت داشته و عطارباشی همکار و وردست اصلی او به شمار می‌آمد است (۵).

شاردن، جهانگرد غربی در سیاحت‌نامه‌اش در خصوص صنف اطبای این دوره، آنان را گروهی مردمی، ثروتمند و با شخصیت ممتاز معرفی کرده است. پزشکان ایران، عطار و داروفروش نیز بودند و هریک دکه‌ای داشتند که سراسر روز یا تنها برخی از ساعات را به نسبت کمی یا زیادی خریدار آنجا می‌ماندند و شاگرد یا شریک داروفروش نیز در جوارشان بود (٦).

سابقه و هدف پژوهش

تاکنون تحقیقات زیادی در موضوعات مرتبط با طب سنتی انجام شده است. در این قبیل پژوهش‌ها که بیشتر پیرامون کتب معتبر طب سنتی و نویسندگان آنها صورت گرفته، اغلب به صورت کلی به موضوع پرداخته‌اند و کمتر به جزئیات توجه کرده‌اند و به مباحثی از قبیل نحوه بیان، زبان گفتار، چگونگی توصیف جزئیات و دیدگاه‌های متفاوت پدیدآورندگان آثار پرداخته نشده است. در این مقاله سعی شده است تا حد زیادی ضمن بیان دیدگاه نویسنده، به نحوه بیان و استفاده از ابزار زبان، میزان تسلط و بهره‌گیری از زبان عربی و نیز مهارت در پرداختن به جزئیات در توصیف، به‌ویژه توصیف جزئیات گل‌ها و گیاهان طبی و خاصیت درمانی هر جزء پرداخته شود و میزان آگاهی حکیم مومن در شناخت و مطالعه کتب طبی پیشینیان، شناخت طبیبان گذشته، بیان اقوال و دیدگاه‌های مختلف طبیبان، تشخیص اشتباهات آنان برای خوانندگان و محققان مشخص شد و در نهایت تصویری روشن از دیدگاه طبی صحیح که مبتنی بر تجربه‌های عملی و غیر قابل انکار است در برابر چشم پژوهشگران مجسم شود.

مواد و روش‌ها

این مقاله بر پایه مطالعه موردی کتاب تحفه‌المؤمنین که حاصل ویرایش و تدوین کتاب مذکور به عنوان رساله کارشناسی ارشد اینجانب تحت عنوان: ویرایش و تدوین فرهنگ‌نامه طبی و دارویی و موارد انعکاس آن در ادبیات فارسی بر اساس تحفه حکیم مومن است، تهیه شده و با روش توصیفی و پژوهشی به بررسی ویژگی‌های ادبی و علمی کتاب مذکور پرداخته و امتیازها و ایرادهای آن را بررسی شده است.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-25]

ویژگی‌های کتاب تحفه حکیم مومن

در دوره صفویه مانند ادوار گذشته، به‌ویژه دوره گورکانیان هند، فرهنگ‌نویسی رایج بوده است و تحفه حکیم مومن نیز تقریباً به شیوه فرهنگ‌نویسی بنا شده است. این قبیل فرهنگ‌ها، عیب و نقص‌هایی دارند، از جمله اینکه تنظیم الفبایی درست و مناسبی ندارد و گاهی لغات را غلط نوشته‌اند، تحفه حکیم مومن نیز دارای تنظیم الفبایی درست و مناسبی نیست. زبان یک نوشته می‌تواند علمی یا ادبی باشد. چون کتاب مذکور به زبان علمی نوشته شده است، خوشبختانه گرفتار انحطاط و انحرافاتی که در نثر ادبی دوره صفویه بوده است نشده، اما آنجا که در دیباچه کتاب می‌خواهد آن را به نام شاه سلیمان صفوی تقدیم کند، به شیوه زبان ادبی معمول آن دوره گرفتار تعارفات و تملق‌ها و القاب‌پردازی شده و زبان را به مدح و تملق آلوده است. این کتاب متأثر از رسم‌الخط عربی دورهٔ صفویه بوده و حتی در مدخل‌های آن حروف (گ،چ،پ،ژ) که جزو حروف اصلی فارسی و وجه تمایز با عربی هستند فراموش شده است. برای شناخت نثر کتاب باید ابتدا نثر آن دوره را بررسی کرد.

به نوشته مرحوم بهار در کتاب سبک‌شناسی:

«نثر دوره صفویه خصوصاً نثر ادبی آن اینگونه نیست که هم از نظر صورت و هم از نظر معنا متناسب و دارای فخامت و جزالت باشد و چون زبان فارسی به صورت رسمی تدریس نمی‌شد و غالباً عربی می‌خواندند، لذا علوم ادبی در سطح پایین قرار داشت» (۷).

ویژگی‌های نثر و رسم‌الخط کتاب تحفه‌المؤمنین

رسم‌الخط دوره صفوی همان رسم‌الخط دوره سابق، یعنی تیموری بوده که به قرار زیر است:

حرف (پ) به صورت (ب)، (چ) به صورت (ج)، (د) به صورت (د،ذ) و (ژ) به صورت (ز) به کار رفته است (۷).

از ویژگی‌های نثر آن دوره که در کتاب سبک‌شناسی نوشته شده، کثرت مترادفات، ضعف تألیف و سستی الفاظ، آوردن سجع‌های متوالی، استفاده از لغات و ترکیبات و عبارات عربی و چاپلوسی و القاب‌پردازی بوده است.

یکی از دلایل بی‌ارزش بودن نثر و فقدان ویژگی‌های ممتاز زبانی در نثر این دوره و از جمله در کتاب تحفه حکیم مومن شاید این است که بیشتر نویسندگان این دوره از مردم عادی و پیشه‌وران بودند و کار اصلی آنها نویسندگی نبوده است. چنانکه حکیم مومن هم در واقع هنر اصلی او نویسندگی نبوده، بلکه خواسته است که برای خوش خدمتی به شخص شاه سلیمان و کسب درآمد، ضمن عهده‌داری امر طبابت، حاصل تجربیات شخصی خود، پدر و جدش را به همراه گفته‌ها و نوشته‌های دیگران به کار ببرد. بنابراین تمامی خصوصیات معمول در نثر دوره صفویه را در تحفه حکیم مومن و آثاری از این قبیل نمی‌بینیم. به خاطر اینکه متن اصلی کتاب به زبان علمی نوشته شده است، کمتر این ویژگی‌ها در آن دیده می‌شود و بیشتر در دیباچه کتاب به جهت خصوصیت زبان ادبی آن، ویژگی‌های بیشتری از نثر دوره صفویه دیده می‌شود.

از ویژگی‌های نثر کتاب به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

وجود سجع‌های متوالی در دیباچه: رسیده، دمیده، ذات، صفات، خروش، جوش

ترکیبات جدید فارسی و عربی در دیباچه: خادم مخادیم، لباس پوشان عوارض، عدیم الخاصیه، بی‌نصیبان ذاتی عرصه امکان، مجهول الماهیه، ضیق النفس

لغات عربی در متن: نبات به جای گیاه، منبت به جای محل روئیدن، انثیان

استفاده از عبارات عربی: لازال مویّداً با التاییدات السبحانیه و موبداً بابدیه الجلال الربانیه (۸)

مدح و القاب‌پردازی در دیباچه: آنچنان که در مدح شاه سلیمان، او را خلاصه ذریه پیغمبر، ناصر چاکران ائمه اثنی عشر، ناشر مذهب حق، شاهنشه پادشاهان، خاقان بن خاقان بن خاقان سلطان خواقین جهان و سکندر حشمت نامیده است.

به‌دستور: به معنی طبق دستورات، همچنین و مثل و مانند، آورده است، مثلاً :

راجع به نسرین می‌نویسد:

و روغن او که به‌دستور روغن نرگس گیرند، مسخّن و به اعتدال، مقوی دماغ و بالخاصیه رافع ذات الجنب بلغمی و سوداوی است (۸).

و در مقدمه آمده است:

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-25]

و به‌دستور، هر چه ابن تلمیذ مؤلف مغنی ایراد کرده‌اند بیان آن را لازم دانسته (۸)

آوردن ضمیر او به جای غیر انسان، مثال:

خطّاف ← به فارسی پرستوک و کباب او مفتح سدد، اکتحال محرّق او مقوی باصره (۸)

زیتون ← رسیده او گرم به اعتدال و با قبض و نارس او سرد و بغایت خشک (۸)

قریب: به معنی به قدر و شبیه آمده است، مثال:

دلدل← حیوانی است قریب به سگ (۸)

درّاج ← مرغی است قریب به جثه کبک و خوش منظر (۸)

حشرات را به اسم حیوان معرفی کرده است، مثال: هدبه ← در اصفهان خرخدا و پرپا نامند و آن حیوان بقدر باقلی خاکستری رنگ (۸)

عبارت فعلی (به هم می‌رسد) به معنی به وجود می‌آید، مثال:

حَجَرالحیّه ← می‌گویند: سنگی است ملوّن و از معدن زبرجد به هم می‌رسد (۸)

چه: به جای زیرا و برای تعلیل، مثال:

بادرنجبویه ← مؤلف اختیارات بدیعی گفته که او بالنگوست و غلط است، چه بادرنجبویه باریک‌تر از تخم ریحان و اغبر است (۸)

جهت: به جای برای و به منظور، مثال:

حماحم ← ضمادش جهت سوختگی آتش نافع (۸)

چون: به جای اگر شرطی، مثال:

خثو ← چون بر بالای طعام مسموم گذارند عرق کند (۹)

سگ دیوانه: به معنی سگ هار، مثال:

نعنع ← و با نمک جهت گزیدن سگ دیوانه (۸)

متکون می‌شود: به معنی شکل می گیرد و به و جود می آید، مثال:

حجر البقر ← سنگی است که در زهره و شیردان گاو متکّون می‌شود (۸)

گرده: به جای کلیه، مثال: لوبیا← دانه بعضی سفید و از بعضی سرخ و از باقلی کوچک‌تر و شبیه گردهٔ طیور (۸)

زرع: به معنی ذرع و برای محاسبهٔ طول و ارتفاع آمده و همه جا با حرف (ز) نوشته شده است، مثال:

حرمل← بفارسی اسپند نامند، نبات او بقدر ذرعی می‌شود (۸)

قدر: به معنی مقدار، مثال:

سدر← و قدر شربتش تا هفت درهم است (۸)

دیدگاه طبی حکیم مومن

حکیم مومن پس از مطالعه و بررسی دقیق کتاب‌های طب قدیم از جمله: سریانی، عربی، هندی، یونانی، ایرانی و غیر آن و نیز تشخیص درست و نادرست آنان، به‌علاوه تجربیات خود و پدرانش این کتاب را نوشته است و چنان که خود می‌گوید دلیل تألیف آن، وجود اشتباهات در کتاب‌های طبی، به‌ویژه اختیارات بدیعی نوشته علی ابن حسین انصاری بوده است.

از نکات قابل توجه آن است که در بیشتر موارد، قول مؤلف اختیارات بدیعی را به چالش کشیده است، مثلاً راجع به مدخل (هوفاریقون) می‌نویسد:

مؤلف اختیارات بدیعی گوید: «تخم هوفاریقون شبیه سماق است» و این مخالف قول جمهور حذاق است (۸).

و یا در مدخل (بادرنجبویه) می‌نویسد: مؤلف اختیارات بدیعی گفته که او بالنگوست و غلط است چه تخم بادرنجبویه باریک‌تر از تخم ریحان و اغبر است (۸).

با تألیف کتاب تحفه، گویا کتاب اختیارات بدیعی از رسیمت افتاده و کتاب تحفه حکیم مومن جای آن را گرفته است. در این کتاب نام اشخاص و کتب فراوانی به چشم می‌خورد که تعداد اشخاص به بیش از ۶۰ و تعداد کتب به بیش از ۵۰ مورد می‌رسد.

حکیم مؤمن، خود در کوه و بیابان به دنبال جمع‌آوری گل‌ها و گیاهان دارویی بوده است، چنان که خود می‌گوید در فیروزکوه فلان گل یا گیاه را مشاهده کرده‌ام و این امر نشان می‌دهد که حکیم مومن شخصاً گل‌ها و گیاهان دارویی را می‌شناخته است و از این نظر تجارب ارزشمندی به‌دست آورده است که یافته‌های او را قابل اعتماد و اطمینان ساخته است.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-25]

یافته‌ها:

یافته‌ها نشان می‌دهد، علی‌رغم اینکه تحفه حکیم مومن از نظر ویژگی‌های زبانی و نثر ادبی حائز اهمیت نیست، اما خود حکیم مومن به دلیل مطالعه آثار طبی قدیم و آگاهی عمیق از دیدگاه طبیبان معروف گذشته و معاصر خود، طبیبی حاذق بوده است، چرا که بر پایه تجارب موفق و مؤثر خود، پدر و جدش که به صورت همزمان به کار طبابت و داروسازی مشغول بوده‌اند، توانسته است دیدگاه طبیبان گذشته را به چالش کشیده و مورد اقبال عموم قرار گیرد. بسیاری از نویسندگان کتب طبی گذشته تنها نظرات دیگران را جمع‌آوری کرده و در طبابت به کار برده‌اند، اما در زمینه داروسازی و ساخت ادویه مفرده و به‌ویژه ادویه مرکبه توفیقی حاصل نکرده‌اند، اما حکیم مومن علاوه بر کار طبابت در کار داروسازی، به‌خصوص ادویه مرکبه نیز بسیار حاذق و توانا بوده است، به نحوی که قبل از کتاب تحفه حکیم مومن، به ادویه مرکبه چندان توجه نشده بود و باید گفت یکی از امتیازات این کتاب، پرداختن به ادویه مرکبه است. بنا به گفته محمود نجم‌آبادی «تحفه حکیم مومن قریب سه قرن کتاب مطالعه‌ای پزشکان پیشین بوده و هم‌اکنون نیز طرفدارانی دارد که از آن استفاده می‌کنند، این کتاب در طی قرون متمادی در ایران توانسته در برابر قانون ابن سینا و شرح اسباب نفیسی و قرابادین کبیر (مجمع الجوامع عقیلی خراسانی) پیوسته در دست طالبان و عاشقان علم طب قرار گیرد و نفود و سلطه خود را طی قریب سه قرن داشته باشد و تا سی سال قبل کتاب درسی دوران بوده و اطبایی که طب را به سبک قدیم می‌آموخته‌اند آن را در دست داشتند».

پزشکان مورد استناد حکیم مومن

از میان پزشکانی که سخن آنها بیشتر مورد استناد حکیم مومن بوده است، به این افراد می‌توان اشاره کرد:

امین‌الدوله، محمد بن احمد، بغدادی، ابن تلمیذ، رازی، انطاکی، حنین بن اسحق، شیخ‌الرئیس ابو علی سینا، ابن ماسویه و مهریارس.

کتب طبی مورد استناد حکیم مومن

از میان کتب طبی، بیشتر به اختیارات بدیعی، تذکره (اولوالالباب، جامع انطاکی)، کامل الصناعه، مالایسع (جامع بغدادی) و جامع ابن بیطار استناد کرده است. مؤلف در دیباچه کتاب نوشته است که فهرست اسامی کتاب‌هایی را که مورد استفاده قرار گرفته‌اند به جهت اختصار دیباچه، درخارج کتاب مرقوم است، اما درخارج کتاب مرقوم نشده است.

فصل‌ها و بخش‌های مختلف کتاب

فصل‌ها و بخش‌های مختلف را با اصطلاحاتی موسوم به تشخیصات و دستورات به کار برده است که به قرار زیر است:

تشخیصات اول (در این بخش میزان و درجات استفاده از ادویه‌جات را توضیح داده است)

تشخیصات ثانی (در این بخش صفات و ویژگی‌های ادویه مفرده را ذکر کرده است)

تشخیصات ثالث (در این بخش که مهم‌ترین قسمت کتاب است اسامی ادویه را که شامل انواع گل‌ها و گیاهان دارویی، سنگ‌ها و احجار کریمه، حیوانات و پرندگان است، به ترتیب الفبا اما نامنظم آورده و خواص درمانی و دارویی هریک از اجزای آنها را به تفصیل بیان کرده است)

تشخیصات رابع (در این بخش طرق مداوای سموم را ذکر کرده است)

تشخیصات خامس (به اوزان صغار و کبار پرداخته است)

دستورات اول (در اینجا به اعمال مرتبط با ادویه مفرده و برخی موارد مرتبط پرداخته است)

دستورات ثانی (در این قسمت ادویه مرکبه را ذکر کرده است)

در مبحث اوزان، آنها را به اوزان صغار و کبار تقسیم کرده است. این اوزان در کتب معتبر طب و فقه و لغت دارای ارزش و اعتبار بوده‌اند. بعضی از آنها در علم طب، برای سنجش مقدار شربت‌ها و داروها به کار رفته است، مثل: استار و مثقال طبی.

برخی دیگر، در فقه و شرع کاربرد داشته‌اند، مثل: مثقال شرعی و درهم شرعی.

بعضی دیگر مربوط به اوزان اجناس بوده است، مثل: من، صاع، سیر و قفیز.

در مبحث مداوای سموم، آنها را به دو بخش سموم مشروبه و ملدوغه، تقسیم کرده و راجع به هر کدام مطالب

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-25]

مفیدی را نوشته است. از سموم مشروبه که از طریق خـوردن و نوشیدن وارد بدن می‌شود به مرارهٔ النمر، یعنی زهره پلنگ و از سموم ملدوغه که از راه نـیش زدن حیوانـات و حشـرات وارد بدن می‌شود به سموم مار، عقرب، رتیل، سگ هار و ... می‌توان اشاره کرد.

در بخش دستورات اول، اعمال متعلق به ادویه مفرده، شامل اتخاذ ادویه و اصلاح آنها و نیز اصول صـناعت غریبـه، شـامل (کیمیا، هیمیا، سیمیا، ریمیا، و لیمیا) آمده است.

در بخش دسـتورات دوم، ادویـه مرکبـه را آورده اسـت و برای هر نوع ترکیب دارویی، موارد مشابهی به نقل از اشخاص و کتب مختلف طبی و نیز تجربیات خود و پدرانش ذکر کـرده است. ضمن اینکه گاهی یک ترکیب دارویی شامل بـیش از ۲۵ نوع ادویه مفرده بوده که طرز به عمل آوردن آنهـا را همـراه بـا مقدار مشخص هر کدام و بر اساس اوزان معمول طبـی نوشـته است، مثلاً: مفرح یاقوتی شیخ ابوعلی سینا را مرکـب از ادویـه زیر دانسته است: مروارید، کهربا، بسد، ابریشم، سرطان نهـری، نخاله طلا، لسان الثور، یاقوت، تخم فرنجمشک، تخم بادروج و بادرنجبویه، بهمن سرخ و سـفید، عـود هنـدی، حجـر ارمنـی، لاجـورد مصـطکی، سـلیخه، دارچینـی، زعفـران، هـل، قاقلـه، افتیمون، اسطوخودوس، جدوار و ....

آنچه آشکار است این است که بخشی از کتاب تحفه حکیم مومن به ادویه مرکبه اختصاص دارد و گویا قبـل از او در آثـار طبی گذشته چندان به آن پرداخته نشده است. بنـابراین طریقـه ساختن ادویه مرکبه را باید از امتیازات کتاب مذکور بـه شـمار آورد.

ادویه مرکبه را در ٢٤ باب به قرار زیر آورده است: معاجین (تریاقات، ایارجات، مفرحات، جوارشات)، حبوبـات، اقـراص، سفوفات، اشربه، مربیات، لعوقات، مطبوخات، سنونات، اکحـال و شیافات، ادهان، مرهم‌ها، ضـمادات و کمـادات و نطـولات و قطـورات، سـعوطات و نشـوقات و عطوسـات و شـمومات و لخلخه‌ها، ادویه کلف و بهق و برص، مضیقات و مطیبات فرج، خواص غریبه، رساین حکمای هند، معالجات چهارپایـان، قلـع آثار و رنگ‌ها و معالجات طیور.

مزایای کتاب

از مزایای کتاب تحفه حکیم مومن به موارد زیـر مـی‌تـوان اشاره کرد:

پرداختن به جزئیات در توصیف یک گیاه، مثل رنـگ، بـو، طعم، اندازه، ارتفاع، برگ، گل، ساق، بیخ و محل رویش آن

مثال: «بادرنجبویه← بـرگش لطیـف و طـولانی و اطـراف برگش مثل اره و ساقش پرشعبه و شبیه ریحان و گلـش بـنفش مایل به سرخی، تخمش شبیه تخم کتان» (۹)

ذکر خواص هر یک از اجزای گیاه به صورت جداگانه

«مثال: نارنج ← بوئیدن شکوفه‌اش مقـوی دمـاغ و محلـل زکام، عرقش جهت ضعف دماغ و تفریح و تقویت باه و اشتها، ترشی او مسهل صفرا و رافع خمار، در برگ و پوست او تفریح عظیم است» (۹)

بیان طبیعت آن از نظر گرمی و خشکی و سردی و تری

«مثال: لبلاب ← نزد جالینوس در دویم سـرد و خشـک و نزد ابوحیان بن ماسویه گرم است» (۸)

تعیین قدر شربت

«مثال: نارجیل← قدر شربت از جرم او تا سـه مثقـال و از آب او سه وقیه است» (۸)

ذکر مصلح و بدل

یعنـی اگـر اسـتعمال آن ضـرری داشـته باشـد، داروی اصلاح‌کننده ضرر را بیان می‌کند و چنانچه خود گیـاه یـا مـادهٔ دارویی در دسترس نباشد، مثـل پزشـکان کنـونی، بـدل، یعنـی داروی مشابه آن را تجویز می‌کند.

«مثل: نیلوفر ← مضر مثانه و مصلحش نبات و مضر بـاه و مصلح او لبوبات و بدلش بنفشه و خطمی» (۹)

اصل کلمه را که از چه زبان و لغتی است ذکر می‌کند

مثلاً می‌نویسد که لغت نبطی یا یونانی یا تنکابنی و دیلمـی یا ترکی، فارسی، هندی، سریانی، عربی و ... است.

«مثال: دبیدار ← به لغت نبطـی گیـاهی اسـت کـه از هنـد خیزد» (۸)

پرداختن به پزشکی انسانی و حیوانی

به این صورت که در مبحث دسـتورات دوم بـه معالجـات چهارپایان و پرندگان نیز پرداخته است.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-25]

گاهی نظر یک طبیب گذشته را در مورد یک گیاه و خواص آن ذکر می‌کند و بر او ایراد می‌گیرد و نظر درست خود را می‌نویسد.

«مثال: جفت آفرید ← مؤلف تذکره گوید: اسم یونانی است و به معنی مزوج و به حسب ظاهر، فارسی بودن او اظهر است» (۸)

«هَرطَمان← رازی گوید: دِفلی است و اظهر آن است که قسمی از خلّر باشد» (۸)

گاهی اقوال مختلف و متضاد را باهم جمع می‌کند.

«مثال: خثو ← امین‌الدوله گوید: آن شاخ آهوی مشک‌داراست و گوید: جهت اسهال نیز نافع است. مؤلف تذکره گوید: در سراندیب یافت می‌شود و خوردن بیضه او جهت حکه و جرب و سده جگر نافع است و سنگدان او جهت بواسیر مفید است» (۸)

خودش می‌گوید: «مرغی است که به فارسی رخ نامند و چون بر بالای طعام مسموم گذارند عرق کند» (۸)

ایرادهای کتاب

واژه‌های حزنیل و هدیه به دفعات در متن کتاب به کار رفته است، اما در بیشتر کتب طبی و فرهنگ‌های معتبر گذشته و معاصر به صورت حزنبل و هدبه نوشته شده است.

در فصل سیم (در تحویل اوزان بعضی به بعضی) اشتباهی رخ داده و آمده است: تحویل مثقال به درهم به عدد دراهم چون سه سبع افزوده شود مراد حاصل است و درست آن است که به جای کلمه دراهم، مثقال آورده شود.

مؤلف در دیباچه کتاب نوشته است که فهرست اسامی کتاب‌هایی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند به جهت اختصار دیباچه، در خارج کتاب مرقوم است، اما در خارج کتاب مرقوم نشده است.

بحث و نتیجه‌گیری:

اگرچه عهد صفویه، دوران انحطاط دانش‌های عقلی در ایران و انتقال آن به کشورهای مجاور بوده است، و دانش‌های مذهبی بیشتر توسعه یافته‌اند، اما علوم تجربی و از جمله دانش طب و داروشناسی نیز تا حدودی مورد اقبال قرار گرفته است؛ چنانکه کتاب‌های زیادی در این زمینه تألیف شده است.

نکته در خور توجه آن است که بیشتر آثار طبی این دوره و از جمله کتاب تحفه حکیم مومن در واقع تألیف و جمع‌آوری کتب طبی و دارویی گذشته بوده است.

نکته دیگر اینکه قبل از کتاب تحفه حکیم مومن به ادویه مرکبه، چندان توجه نشده بود و باید گفت که یکی از امتیازات این کتاب، پرداختن به ادویه مرکبه است.

از دیگر امتیازات آن، موارد زیر در خور توجه است:

پرداختن به جزئیات در توصیف ادویه مفرده، ذکر گفته‌ها و نوشته‌های مختلف و متضاد پزشکان گذشته، توجه به اوزان صغار و کبار که در علوم طبابت و فقه و لغت به کار می‌آمد، به‌ویژه برای تعیین دقیق داروها و توجه به پزشکی انسانی و حیوانی، ذکر مصلح و بدل، یعنی اگر استعمال آن ضرری داشته باشد، داروی اصلاح‌کننده ضرر را بیان می‌کند و چنانچه خود گیاه یا ماده دارویی در دسترس نباشد، مثل پزشکان کنونی، بدل آن، یعنی داروی مشابه را تجویز می‌کند.

از عیب‌های کتاب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نداشتن نظم الفبایی مناسب، کتابت اشتباه بعضی از کلمه‌ها که یا از ناحیه کاتب و یا خود مؤلف بوده است، مثل: هدیه به جای هدبه، سوسن به جای سوس، و نداشتن اعراب و آوانگاری.

در مجموع این کتاب، اطلاعات بسیار مفیدی راجع به دانسته‌ای دارویی که در اختیار خواننده می‌گذارد و از کتاب‌های بسیار با ارزش داروشناسی گیاهی به شمار می‌رود.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-25]

References:

۱ . صفا، ذبیح الله: تاریخ ادبیات ایران. ج.٤، انتشارات فردوس، تهران، ص: ٦٣، ١٣٨١ .

۲ . قهرمان، احمد: تاریخ شناخت گیاهان دارویي.کیهان فرهنگي :١٣٨٤، شماره ٢٢٥، صص: ٢٧-٢٣ .

۳ . نجم آبادي، محمود: مراکز طبي وعلمي در ایران قبل از بغداد. ماهنامه ارمغان:١٣٤١، شماره ٧، ص: ٢٩٠-٢٨٩.

٤ . عرب زاده، ابوالفضل: معرفي نسخه هاي دست نوشت طب گیاهي وسنتي. پیام بهارستان: ١٣٨٨، ش٢، صص:٢١٦ -٢٠٣

٥ . دانشگاه کمبریج: تاریخ ایران دوره صفویان. ترجمه:آژند، یعقوب. انتشارات جامي، تهران، ص٣٠٨،١٣٨٠.

٦ . شاردن، ژان: سیاحت نامه شاردن. ترجمه: عباسي، محمد. جلد٧و٨. انتشارات امیرکبیر، تهران، ص١٣٤٥،٢٤.

٧ . بهار، محمد تقي ملك الشعرا: سبک شناسی .ج.٣، انتشارات امیر کبیر، تهران ، ص: ٢٨٧ ، ١٣٧١ .

٨ . محمد زمان حسینی، محمد بن میرزا؛ تحفه حکیم مومن، چاپ افست، کتابفروشی مصطفوی تهران، صص١-٢٦٣، ١٣٤٥.

٩ . سلیماني مقدم،داود(١٣٨٥)؛ ویرایش وتدوین فرهنگنامه طبي ودارویي بر اساس تحفه حکیم مومن، دکتر نصراله امامي، اهواز، دانشگاه شهید چمران، (در حال انتشار). صص٩٦-٥٥٨.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-25]